



Examination of the Last Clear Chance Doctrine in Iranian Law in Comparison with Common Law and Jurisprudential Systems

Hassan Mohammadi Ramghani*, Ismail Keshavarz**

Abstract

The concept of the last clear chance doctrine, rooted in common law, originally emerged as a refinement of the joint fault theory. Its objective was to adapt and modify the joint fault theory within the context of causation relationships based on proximate cause. This modification involved distinguishing between real causes and non-real causes, identifying the effective cause based on a standard, and isolating the legal causes from the real ones through the application of the proximate cause rule. This, in turn, paved the way for identifying the responsible cause by employing either the principle of common fault or the principle of last clear chance to prevent loss.

The last clear chance doctrine comes into play when an individual creates a perilous situation, both legally and causally, but finds themselves unable to extricate themselves from the resulting danger or remains oblivious to it. In such circumstances, another person, who possesses knowledge of the impending danger along with the capability to avert it, seizes the opportunity

How to Cite: Mohammadi Ramghani, H., Keshavarz, I. (2024). Examination of the Last Clear Chance Doctrine in Iranian Law in Comparison with Common Law and Jurisprudential Systems, *Journal of Legal Studies*, 15(4), 239-270.

* Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Bandar Abbas Comprehensive Branch, Bandar Abbas, Iran. (Corresponding Author). Email: hs.mohamadi@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qazvin Islamic Azad University, Qazvin, Iran. Email: keshavarzmaeil@gmail.com

to prevent the loss. Failure to utilize this chance to prevent harm results in the imposition of full compensation responsibility upon this second individual.

The emergence of the low-cost theory in the latter half of the 20th century significantly influenced the last clear chance doctrine. This economic approach emphasized that, among the factors contributing to accidents and losses, if both the victim and the party responsible for the loss can prevent such losses through precautionary measures, the entity that could have averted the loss at the lowest cost, but failed to do so, would assume the liability for damages or compensation. This economic perspective added a fresh dimension to the doctrine, aligning it with principles of economic deterrence.

Within the jurisprudential framework, when victim and wrongdoer errors are characterized by a shared cause and agency (regardless of whether the victim is the agent or the cause), applying either the proximate cause rule or the last clear chance rule yields comparable outcomes. If the agent incurs loss, the rule of action grants them the last opportunity to prevent that loss, which they fail to exploit. Conversely, if the agent is the cause, they are held accountable due to their possession of the last chance to avert the loss in temporal terms.

However, complications arise when the errors of the victim and the wrongdoer assume an indirect cause relationship without agency (managerial responsibility). The application of the first cause rule diverges from the last clear chance rule in jurisprudence. In numerous instances, the last opportunity to prevent loss is held by the delayed cause rather than the primary cause.

In situations where victim and wrongdoer are simultaneously affected in a steward-like capacity, without temporal priority or delay, identifying the last clear chance is unfeasible. In such scenarios, the rule of joint fault dictates that both parties share equal compensation responsibility due to their simultaneous contributory roles in the accident. However, the determination of the degree of each party's fault impact in causing the accident and damages remains unexplored within the jurisprudential system, leaving room for further contemplation.

In Iranian law, analogous to the jurisprudential system, the application of the last clear chance rule serves as the final sieve through which real and legal causes sift to identify the responsible cause. The stewardship of the victim in circumstances allowing loss avoidance, despite the existence of a real cause and legal cause, absolves the responsible cause. The rationale is that attributing loss to the responsible party necessitates assigning some or all of the loss to an entity other than the victim. The victim, having had the final opportunity to prevent the loss and having chosen not to, bears the loss personally. Notably, a discrepancy between the theory of the first cause and

نظریه «آخرین فرصت اجتناب از ضرر» در حقوق ایران با نگاهی به کامن لا و نظام فقهی

حسن محمدی رمقانی*، اسماعیل کشاورز**

چکیده

هدف از این مقاله بررسی جایگاه نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر و امکان استناد به آن در حقوق ایران است. برای شناسایی جایگاه این نظریه در حقوق ایران ابتدا به بررسی این نظریه در حقوق کامن لا و نظام فقهی پرداخته شد. سوال اصلی این پژوهش این است که آیا به مانند حقوق کامن لا می توان در حقوق ایران نیز در زمینه احراز رابطه سببیت و پیش از شناسایی سبب مسئول، به سنجش وجود یا فقدان امکان اجتناب از ضرر از سوی عاملین موثر در حادثه پرداخت یا خیر؟ فرضیه یا ادعای اصلی این است که در حقوق ایران در صورت وجود فرصت و امکان اجتناب از ضرر، بار خسارت یا جبران خسارت را کسی بر عهده می گیرد که آخرین فرصت و امکان اجتناب از ضرر را در اختیار دارد، اما از این فرصت استفاده نمی کند. یافته های حاصل از این پژوهش که با روش جمع آوری کتابخانه ای داده ها به دست آمده، در مقام تایید فرضیه بیانگر این مطلب است که در حقوق ایران متأثر از نظام فقهی، شناسایی وجود آخرین فرصت اجتناب از ضرر یا عدم آن، به منزله ملاک عبور از سبب غیرمجاز و موثر به سبب مسئول جبران خسارت خواهد بود. واژگان کلیدی: آخرین فرصت، اجتناب از ضرر، رفتار زیان بار، کم هزینه ترین فرصت، موقعیت رفتاری. نوع مقاله: مقاله پژوهشی.

* استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع بندرعباس، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول).
Email: hs.mohamadi@yahoo.com

** استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
Email: keshavarzsmail@gmail.com

سرآغاز

مرکز ثقل مباحث مسئولیت مدنی در هر نظام حقوقی، شناسایی و تعیین ضابطه‌ای جهت تحمیل بار جبران خسارت وارده بر زیان‌دیده است. در هر دعوی مسئولیت مدنی، ما حداقل با دو عامل انسانی مواجهیم که در موضعی مخالف یکدیگر قرار دارند؛ یکی فردی است که زیان به او وارد شده و دیگری فرد متحمل زیان که مدعی است خسارت، ناشی از رفتار زیان‌بار او بوده است. بر همین اساس مسئله شناسایی رابطه سببیت و انتساب ضرر به رفتار یک عامل انسانی جهت تحمیل بار مسئولیت جبران خسارت، مهم‌ترین موضوع در مسئولیت مدنی به شمار می‌آید.

نظام‌های حقوقی هر یک به فراخور نوع رویکردی که به مسئولیت مدنی داشته‌اند بر یکی از دو عامل انسانی متمرکز بوده‌اند؛ برخی همچون نظام حقوقی رومی بر رفتار عامل زیان‌ت‌مرکز داشته و با طرح مفاهیمی چون خطا و تقصیر و تعهد و مسئولیت، مبنای رابطه سببیت را بر احراز وجود تکلیف پیشین و نقض تقصیر آمیز آن استوار دانسته‌اند (Waller, 2007:23, Simons, 1996:276-280). در مقابل برخی از نظام‌های حقوقی نظیر نظام فقهی ما، بر حق زیان‌دیده متمرکز دارند؛ به این شکل که در زیان وارده، چنانچه زیان‌دیده هیچ‌گونه نقش یا تأثیری در ایجاد آن نداشته و زیان متناسب به رفتار فرد دیگری باشد، عامل متناسب، ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود (Asgari, 2014:27-42). آنچه نسبت به هر دو رویکرد تعهد‌محور و حق‌محور قابل انتقاد به نظر می‌رسد این است که هر حادثه‌ای که باب مسئولیت مدنی باز می‌شود، پدیده‌ای است که در آن شاهد حضور هم‌زمان هر دو عامل انسانی (زیان‌زننده و زیان‌دیده) هستیم.

صرف‌نظر از بسیاری از حوادث که زیان‌دیده نیز به‌طور فعال و مثبت در بروز حادثه و ضرر نقش‌آفرینی می‌کند، سایر حوادثی نیز که طی آن به منافع مورد احترام فردی (نظیر اموال، تمامیت جسمانی) ضرری وارد می‌شود، حضور و تأثیر غیرمستقیم صاحب آن منفعت در بروز حادثه چشم‌گیر است. برای مثال در فرضی که مالک خودرویی، آن را در محل توقف ممنوع، متوقف کرده و راننده دیگر یا عابری در حین

عبور به خودروی مذکور برخورد می‌کند و سبب خسارت می‌شود، در حادثه مذکور علیرغم عدم حضور فیزیکی زیان‌دیده در لحظه حادثه و عدم فعل مستقیم وی در بروز ضرر، استقرار مال موضوع خسارت توسط زیان‌دیده در محل حادثه به‌طور ضمنی حاکی از حضور و نقش او در به وجود آمدن سانحه و نتیجتاً بروز خسارت است. به عبارت ساده‌تر تصرفات افراد در دارایی‌ها و تمامیت جسمانی خود تا لحظه وقوع حادثه خواه مستقیم خواه غیرمستقیم در وقوع حادثه و بروز ضرر مؤثر است. به همین خاطر به نظر می‌رسد رویکرد مناسب می‌بایست رویکردی باشد متمرکز بر وضعیت یا موقعیت موجد حادثه که به حضور همه عوامل مؤثر در آن توجه کند.

در همین راستا برخی از نظام‌های حقوقی با تمرکز بر موقعیت یا وضعیت بروز حادثه، به سمت نظریه‌ای پیش رفته‌اند که بر این امر تأکید دارد که در هر حادثه‌ای باید بررسی شود چه کسی می‌توانست در آخرین فرصت ممکن، از بروز حادثه اجتناب کند. بار خسارت یا جبران آن را کسی بر دوش می‌کشد که آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار او بوده و از این فرصت استفاده نکرده است، اعم از اینکه این فرصت در اختیار زیان‌دیده باشد یا عامل زیان. در حقوق کامن لا ابتدا به شناسایی و تمایز اسباب حقیقی از غیرحقیقی بر اساس استاندارد اگر نبود^۱ (سبب مؤثر) پرداخته می‌شود (Cooke, 2011: 167-169, Hedley, 2008: 284). در مرحله بعد اسباب حقوقی از میان اسباب حقیقی با تکیه بر ملاک نزدیک یا بعید بودن سبب^۲ شناسایی می‌شود (Cooke, 2011: 189) درنهایت در فرض تقصیر مشترک و مؤثر زیان‌دیده و زیان‌زننده، سبب مسئول را حسب مورد از طریق به‌کارگیری یکی از دو قاعده تقصیر مشترک (تقسیم مسئولیت) یا آخرین فرصت اجتناب از ضرر تشخیص می‌دهند. در نظام حقوقی ایران توجه چندانی به مراتب سه‌گانه شناسایی سبب (تمایز اسباب حقیقی از غیرحقیقی بر مبنای ملاک مؤثر بودن سبب، تشخیص اسباب حقوقی از میان اسباب حقیقی بر

1. But for

2. Proximate cause

مبنای غیرمجاز بودن سبب، تشخیص سبب مسئول از میان اسباب حقوقی) نشده است. باین وجود به نظر می‌رسد هم در نظام فقهی و هم نظام حقوقی ایران می‌توان لزوم طی این فرایند سه‌گانه شناسایی رابطه سببیت را مورد تصدیق قرار داد. در باب تشخیص اسباب حقیقی (مؤثر) از غیرحقیقی (غیر مؤثر) هم در نظام فقهی و هم در حقوق ایران (ماده ۵۰۵ ق.م.ا)، سبب مؤثر عاملی است که اگر نبود جنایت یا خسارت واقع نمی‌شد. به عبارت دیگر عدم سبب، ضرورتاً عدم خسارت را به دنبال دارد (Helli-1986:231-237, Najafi,1990:43-95, Shahid Sani,1991:326,329). همچنین هر سبب مؤثر به لحاظ حقوقی مورد توجه نیست بلکه می‌بایست از میان اسباب مؤثر، به دنبال اسباب مرتکب فعل غیرمجاز بود (Keshavarz,2023:2-7). مواد ۵۰۵ الی ۵۳۶ به خصوص مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مبین لزوم غیرمجاز بودن سبب است. در نهایت پس از شناسایی اسباب مؤثر و غیرمجاز، در میان آثار فقها و حقوق دانان به طور سنتی به منظور شناسایی سبب مسئول، در فرض وجود اجتماع اسباب ابتدا به تشخیص نوع اجتماع (اجتماع سبب و مباشر/اجتماع بین اسباب غیر مباشر) پرداخته شده و سپس بسته به نوع اجتماع مبادرت به تشخیص سبب مسئول (سبب نزدیک و بی‌واسطه یا سبب مقدم در تأثیر، سبب متعارف و اصلی) می‌کنند. لیکن در صورت مؤثر و غیرمجاز بودن فعل زیان‌دیده و زیان زننده به طور مشترک، این مسئله مطرح می‌شود که آیا به مانند حقوق کامن لا شناسایی سبب مسئول از طریق اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر یا تقصیر مشترک امکان‌پذیر است یا خیر؟ وجود برخی از مواد قانون مجازات اسلامی که ملهم از نظام فقهی است، در بردارنده اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر پیش از شناسایی سبب مسئول است. در این مقاله ما به دنبال تبیین و تشریح جایگاه نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در نظام حقوق مسئولیت مدنی ایران خواهیم بود. اینکه آیا در نظام حقوقی ایران نیز در فرض مؤثر و غیرمجاز بودن فعل زیان‌دیده و زیان زننده در بروز حادثه به طور مشترک، آیا قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر پیش از شناسایی سبب مسئول بکار برده می‌شود یا خیر؟ مطالب مطرح شده از حیث توجه به

لزوم طی مراحل سه‌گانه شناسایی سبب مسئول و اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر در فرض خطای مشترک زیان‌دیده و زیان‌زننده - پیش از شناسایی سبب مسئول - واجد نوآوری است. همچنین در برخی موارد نتایجی غیر از اعمال سستی نظریه‌های سبب نزدیک و بی‌واسطه و سبب مقدم در تأثیر مطرح می‌شود که لزوم توجه بیش‌ازپیش را نسبت به قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر ضروری می‌سازد. این مقاله در دو فصل ارائه خواهد شد؛ در فصل اول به مطالعه جایگاه این نظریه در کامن لا و نظام فقهی می‌پردازیم و در فصل دوم نیز جایگاه این نظریه را در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. جایگاه تئوری آخرین فرصت اجتناب از ضرر در کامن لا و نظام فقهی

مقوله اجتناب از ضرر هم در حقوق کامن لا و هم در نظام فقهی مطرح شده است. بر همین اساس ابتدا به واکاوی جایگاه این نظریه در این دو نظام حقوقی می‌پردازیم.

۱-۱. نظریه اجتناب از ضرر در حقوق کامن لا

به منظور شناسایی دقیق نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در حقوق کامن لا، ضروری است در ابتدا به خاستگاه پیدایش این نظریه و تحولات تاریخی آن در کامن لا پرداخته شود و سپس مبانی این نظریه مورد تحلیل قرار گیرد. بر همین اساس مطالب این بخش در دو قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. تحولات تاریخی نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در کامن لا

خاستگاه نخستین تئوری آخرین فرصت اجتناب از ضرر در کامن لا به قرن نوزدهم بازمی‌گردد. در حقیقت در قرن ۱۹ نوعی جایگزینی در مدل یا مبنای ساختاری مسئولیت مدنی در کامن لا رخ داد. تا پیش از آن، مسئولیت مدنی مبتنی بر الگوی

نتیجه‌گرای تولید خطر^۱ و شناسایی سبب ایجاد خطر و تحمیل مسئولیت بر وی بود، مانند آتش‌سوزی غلات واقع در مزارع حاشیه خطوط راه‌آهن که علت یا سبب ایجاد خطر و خسارت وارده جرقه‌های حین حرکت قطار روی ریل‌های آهن بود؛ اما در قرن ۱۹ با طرح مفهوم خطای بی‌احتیاطی، مدل اجتناب از ضرر^۲ جایگزین مدل ایجاد خطر شد (Kretzmer, 1984: 46-87). الگوی اجتناب از ضرر در مواردی است که خواننده مکلف به جلوگیری از بروز ضرر ناشی از حادثه داشته باشد، در صورتی که خطر ایجادکننده ضرر توسط وی نبوده باشد. نقض این تکلیف (اجتناب از ضرر) منجر به مسئولیت می‌شود (Kretzmer, 1984: 48-50).

رهاورد مفهوم اجتناب از ضرر، پدیداری نظریه بی‌احتیاطی مشترک^۳ در سپهر مسئولیت مدنی کامن لا بود. مطابق نظریه بی‌احتیاطی مشترک که ریشه آن به دعوای معروف باترفیلد / فورستر^۴ در ۱۸۰۹ بازمی‌گردد، در صورتی که وقوع حادثه و خسارت ناشی از بی‌احتیاطی مشترک خواهان (زیان‌دیده) و خواننده (زیان‌زننده) باشد، خواهان از دریافت خسارت محروم و دعوای مطالبه خسارت وی قابل استماع نخواهد بود حتی اگر بی‌احتیاطی خواهان ناچیز و میزان بی‌احتیاطی زیان‌زننده شدید باشد (Rozas, 1967: 269-270). در دعوای باترفیلد و فورستر، علی‌رغم اینکه فورستر در نصب دیرک جلوی منزل در حال تعمیر خود مرتکب بی‌احتیاطی شده بود، لیکن باترفیلد به دلیل رانندگی با سرعت بالا و عدم رعایت احتیاط معقول با دیرک برخورد می‌کند و دچار صدمه دیدگی می‌شود در حالیکه اگر سرعت معقول و مناسبی داشت می‌توانست دیرک را ببیند و از برخورد با آن اجتناب کند. در نتیجه دادگاه باترفیلد را مستحق دریافت خسارت ندانست (Henderson, 2007: 359). انعطاف‌ناپذیری ناشی از این نظریه که زیان‌دیده را با وجود بی‌احتیاطی ناچیز اما مؤثر، محروم از مطالبه خسارت می‌دانست، زمینه‌ساز پدیداری

-
1. Production of Risk
 2. Loss Avoidance
 3. Contributory Negligence
 4. Butterfield v Forrester

نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر^۱ در کامن لا شد. منشأ طرح این نظریه به دعوی مشهور من/دیویس^۲ در ۱۸۴۲ بازمی‌گردد. در دعوی مذکور صاحب الاغی، حیوان خود را به طرز بی‌احتیاطانه‌ای در بزرگرایی مستقر کرده بود و راننده دیگر به دلیل بی‌احتیاطی در سرعت بالا و عدم توجه به حیوان، موجب برخورد و کشته شدن حیوان شد. در دعوی مذکور دادگاه مقرر کرد که هر چند خواهان (زیان‌دیده) مرتکب بی‌احتیاطی در مستقر کردن حیوان در بزرگراه شده، لیکن از آنجاکه خواننده (زیان‌زننده) می‌توانست با انجام مراقبت و احتیاط معقول از وقوع حادثه اجتناب کند و زیان‌دیده قدرت و امکانی برای اجتناب از ضرر نداشته، راننده بی‌احتیاط به دلیل داشتن آخرین فرصت اجتناب از ضرر، مسئول جبران خسارت وارده به صاحب حیوان است (Grooms, 1925: 146). نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در واقع حاوی نوعی رویکرد تعدیلی و استثنائی بر اعمال انعطاف‌ناپذیر نظریه بی‌احتیاطی مشترک بود (Goldberg, 1967: 191-192)؛ به‌گونه‌ای که علی‌رغم اینکه حادثه، معلول بی‌احتیاطی مشترک خواهان و خواننده است، با این حال به دلیل برخورداری خواننده از آخرین فرصت اجتناب از ضرر، خواهان مستحق مطالبه و دریافت خسارت خواهد بود (Bitses, 1944: 34-35, Hale, 1961: 142). به‌طور خلاصه مطابق نظریه مذکور برای اینکه زیان‌دیده علی‌رغم بی‌احتیاطی مؤثر، مستحق دریافت خسارت شود سه شرط لازم است: نخست اینکه زیان‌دیده در اثر بی‌احتیاطی خود در موقعیت خطرناکی قرار گرفته که ناتوان از جلوگیری و فرار از وقوع خسارت باشد؛ دوم اینکه زیان‌زننده بداند که زیان‌دیده در معرض خطری قرار گرفته و بداند که وی ناتوان از جلوگیری و فرار از وقوع خسارت است و سوم اینکه علی‌رغم شناسایی خطر متنازع فیه از سوی زیان‌زننده، به دلیل عدم مراقبت معقول، از آخرین فرصت اجتناب از ضرر به دیگری استفاده نکند (Fleming, 1938: 705-706). این نظریه در قرن بیستم مورد استقبال فراوانی

1. Last Clear Chance
2. Davies v. Mann

در کامن لای آمریکا به‌ویژه در زمینه تصادفات ناشی از وسایل نقلیه موتوری و حوادث منجر به صدمات بدنی شد (Goldberg, 1967: 191-192). در کامن لای انگلیس با وضع قانون اصلاحی ۱۹۴۵ در فرض تقصیر مشترک خواهان و خواننده در بروز خسارت، مسئولیت میان عوامل مؤثر توزیع می‌شود. در همین راستا مطابق مواد ۴۷۹ و ۴۸۰ دومین سند بازگویی حقوق خطاهای مدنی در آمریکا^۱ خواهانی که در اثر بی‌احتیاطی خود را در وضعیت درماندگی و در معرض خطر صدمه‌دیدگی قرار داده است با رعایت سه شرط می‌تواند از خواننده‌ای که پس از او مرتکب بی‌احتیاطی مؤثر در حادثه شده است مطالبه خسارت کند: ۱. خواهان ناتوان از به‌کارگیری مراقبت و احتیاط معقول جهت اجتناب از ضرر باشد؛ ۲. خواننده (زیان‌زننده) مراقبت و احتیاط معقول را جهت اعمال فرصت نهایی اجتناب از ضرر بکار نگیرد هنگامی که او از وضعیت درماندگی خواهان آگاه است و تشخیص می‌دهد یا دلیل کافی برای تشخیص خطر متنازع فیه دارد. به‌عبارت‌دیگر مطابق این ماده مسئولیت خواننده به جبران خسارت منوط به آگاهی او از وضعیت زیان‌دیده و تشخیص خطر موجود است. مطابق ماده ۴۸۰ خواهانی که با اعمال مراقبت معقول توانایی شناسایی خطر ایجادشده از سوی بی‌احتیاطی خواننده را جهت اجتناب از ضرر به خود دارد، می‌تواند علی‌رغم بی‌توجهی و بی‌دقتی خود از خواننده (زیان‌زننده) مطالبه خسارت کند مشروط بر اینکه: نخست، خواننده از وضعیت خواهان آگاه و مطلع باشد؛ دوم، خواننده تشخیص دهد یا دلیل کافی داشته باشد که خواهان به دلیل بی‌توجهی، قدرت تشخیص شناسایی خطر جهت اجتناب از آن را ندارد و سوم، خواننده در به‌کارگیری ظرفیت واپسین اجتناب از ضرر با توسل به مراقبت معقول غفلت ورزد.

در نیمه دوم قرن بیستم به دنبال تحولاتی که در اثر پدیداری جنبش حقوق و اقتصادی و تحلیل اقتصادی پدیده‌های حقوقی در آمریکا رخ داد، نگرش اقتصادی به

1. Restatement (Second) of Torts

مباحث حوزه مسئولیت مدنی نمودار شد و حقوقدانانی چون کواز و پازنر به تحلیل اقتصادی مسائل مسئولیت مدنی پرداختند (Badini, 2005:384). به طور کلی نهضت تحلیل اقتصادی حقوق با تکیه بر رویکرد فایده‌انگاری، بر این باور است که برای تحلیل هر نظریه یا نهاد حقوقی می‌بایست به تخمین هزینه و فایده آن همت گماشت. انسان موجودی اقتصادی است که در همه رفتارهای خود به دنبال کسب بیشترین فایده و لذت و کمترین رنج و ضرر یا هزینه است. تحت تأثیر این نظر دگرگونی‌های شگرفی در حوزه مسئولیت مدنی به‌ویژه در تعریف و شناسایی انواع ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت، نحوه و میزان خسارت با تکیه بر تحلیل اقتصادی حقوق رخ داد.

مقوله اجتناب از ضرر نیز تحت تأثیر نگرش اقتصادی قرار گرفت که پیامد آن ظهور نظریه کم‌هزینه‌ترین فرصت اجتناب از ضرر^۱ است (Mattiacci & Parisi, 2005:235). مطابق این نظریه جدید، بنا بر اصل بازدارندگی اقتصادی، در میان عوامل مؤثر در بروز حادثه و ضرر در صورتی که هر دو عامل زیان‌دیده و زیان‌زننده بتوانند با اقدام‌های احتیاطی از بروز ضرر اجتناب کنند، عاملی که با تحمل کمترین هزینه می‌توانست از بروز حادثه و ضرر جلوگیری کند و از این فرصت استفاده نکرده است، بار خسارت یا جبران آن را بر دوش خواهد کشید (Matiacci & Parisi, 2005:14). برای مثال، در فرض مشهور شرکت راه‌آهن و مزرعه‌دار مجاور خط راه‌آهن بر اثر پخش جرقه‌های ناشی از حرکت قطار به محصولات کشاورزان مجاور خط راه‌آهن، ضرری وارد شد، در صورتی که شرکت راه‌آهن می‌توانست با خرید و نصب دستگاه جرقه‌گیر به ارزش ۷۰۰ ریال و درعین حال کشاورزان نیز با کشت محصول جایگزین که در برابر جرقه مقاوم است و در مقایسه با کشت قبلی ۵۰۰ ریال هزینه اضافه بر آنان تحمیل می‌کند، به‌کلی از بروز ضرر جلوگیری کند. در این صورت بنا بر آنچه گفته شد، کشاورزان که با پرداخت کمترین هزینه، توانایی جلوگیری از بروز حادثه و ضرر را داشته و از این

1. least cost avoidance chance of loss

فرصت استفاده نکرده و در نتیجه خسارتی بر آنان وارد آید، بار خسارت را تحمل خواهند کرد (Perry, 1995: 62-63).

۲-۱-۱. مبانی نظریه اجتناب از ضرر در کامن لا

مبنای نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر را می‌توان در وجود نوعی تعهد عقلانی، اخلاقی و حقوقی برای انسان در زندگی اجتماعی خود با سایر هموعان خود دانست؛ به گونه‌ای که در هر موقعیت رفتاری و محیطی مستعد بروز حادثه و خسارت می‌بایست به گونه‌ای رفتار کند که از ضرر زدن به دیگران اجتناب ورزد. از نقطه نزد پولاک که از حقوقدانان سرشناس قرن ۱۹ کامن لا محسوب می‌شود، مسئولیت مدنی، پیامد ضروری و اجتناب‌ناپذیر جامعه است و هر انسان در جامعه دارای وظیفه و تعهد کلی نسبت به همسایگان خود است که مبتنی بر عدم ورود ضرر بدون توجیه یا عذر قانونی است (Eli-Paul, 2015: 15)؛ رویکردی که مبانی فکری آن به اندیشه‌های فایده‌گرایانه جان استوارت میل در قرن ۱۹ بازمی‌گردد که مبنای کلی مسئولیت مدنی را بر پایه عدم ضرر به دیگری استوار می‌دانست. به‌طور خلاصه، عقیده وی مبتنی بر لزوم لغو اشکال طرح دعوا و جایگزینی آن با اصل کلی عقلانی و اخلاقی است که مبتنی بر وظیفه کلی ملاحظه و مراعات شهروندان دیگر در هر اوضاع و احوال با یک معیار مقتضی و استاندارد اجتناب از ضرر زدن به دیگری است (Pollock, 1920: 4). حال چنانچه الف در موقعیتی قرار گیرد که در آن فرد ب با احتیاطی خود را در معرض خطری قرار داده که توان خروج و فراز از آن را ندارد، الف در صورت آگاهی از وجود خطر و داشتن آخرین ظرفیت جلوگیری از وقوع حادثه، می‌بایست از بروز خسارت اجتناب ورزد. مبنای دیگر این نظریه در کامن لا، معیار سببیت مستقیم و نزدیک^۱ بین فعل خواننده (عدم اجتناب از ضرر) و بروز خسارت است؛ به گونه‌ای که قصور خواننده در اعمال آخرین فرصت اجتناب از ضرر، نزدیک‌ترین سبب حادثه محسوب می‌شود (Hale, 1961: 141, Goldberg, 1967: 191). به عبارت دیگر

1. Proximate Cause

سبب نزدیک در این قبیل حوادث، ترک فعل خوانده (زیان‌زننده) نسبت به انجام تکلیف حقوقی خود مبنی بر اجتناب از ضرر به دیگری در صورت داشتن توانایی اجتناب از ضرر زدن است به نحوی که حادثه و خسارت نتیجه و اثر نزدیک و بی‌واسطه عدم اجتناب خوانده از ضرر باشد (Hale, 1961: 142).

۲-۱. نظام فقهی

برآیند مطالعه و بررسی متون مشهور فقهی و اندیشه‌های فقها در این زمینه حاکی از این مطالب است که از یک طرف برخلاف نظریه تقصیر مشترک در کامن‌لا، در صورتی که حادثه به سبب عمد یا تقصیر مشترک خواهان و خوانده خسارت باشد، خواهان به صرف مشارکت مؤثر و تقصیرآمیز خود در وقوع حادثه از دریافت خسارت محروم نخواهد شد بلکه بر حسب نقشی که از حیث مباشرت یا تسبیب در وقوع حادثه داشته است، حسب مورد استحقاق یا عدم استحقاق مطالبه خسارت خواهد داشت. به عبارت دیگر، موقعیتی که زیان‌دیده نیز خود از اسباب مؤثر در حادثه است، از منظر فقهی مبین نوعی اجتماع اسباب است که بر حسب نوع اجتماع اسباب، نتیجه متفاوتی در بر خواهد داشت. بر همین اساس به منظور شناسایی جایگاه نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در نظام فقهی می‌بایست به واکاوی دقیق این رویکرد در طبقه‌بندی مشهور اجتماع اسباب در متون فقهی پرداخت، زیرا مسئله اجتناب از ضرر در ذیل مقوله تقصیر مشترک مطرح می‌شود و مسئله تقصیر مشترک در زمینه فقهی، در مقوله اجتماع اسباب مطرح می‌شود. به‌طور کلی سه حالت از حیث خطای مؤثر و مشترک زیان‌دیده و زیان‌زننده در وقوع حادثه قابل‌تصور است:

فرض اول: هر دو در وقوع حادثه به‌عنوان مباشر تأثیر داشته باشند، نظیر برخورد عمدی یا تقصیرآمیز دو سفینه (کشتی) یا دو انسان با یکدیگر. در چنین مواردی مطابق نظر مشهور در فقه هر دو به نحو مساوی ضامن جبران خسارت بوده و هر یک مسئول جبران نصف خسارت طرف مقابل خواهد بود (Helli, 1990: 622, Najafi, 1990: 110).

Hoseyni Ameli, 1989:334). به عبارت ساده‌تر در فرضی که زیان زننده و زیان دیده به‌طور هم‌زمان و در قالب مباشر در حادثه مؤثر واقع می‌شوند، از آنجاکه به دلیل فقدان تقدم و تأخر زمانی تأثیرگذاری در بروز حادثه، امکان شناسایی آخرین فرصت اجتناب از ضرر میسر نیست (قاعده آخرین فرصت اجتناب عقلاً در فرضی حکم فرماست که تقدم و تأخر زمان تأثیر فعل زیان دیده و زیان زننده در بروز حادثه برقرار باشد و بر اساس آن به دنبال شناسایی شخصی باشیم به لحاظ زمانی آخرین فرصت و امکان اجتناب را داشته است)، این قاعده قابل اعمال نخواهد بود. به جای آن بر مبنای قاعده تقصیر مشترک، به دلیل تأثیر خطای مشترک طرفین در حادثه به‌طور هم‌زمان، هر دو به نحو تساوی سبب مسئول جبران خسارت خواهند بود. هرچند در نظام فقهی در این خصوص به مؤلفه درجه تأثیر خطای هریک از طرفین در وقوع حادثه و خسارت و لزوم توزیع مسئولیت بر اساس درجه تأثیر پرداخته نشده و از این حیث محل تأمل است.

فرض دوم: در این فرض دو حالت قابل تصور است: حالت اول اینکه خواهان (زیان دیده) سبب یا عامل دور و خوانده (زیان زننده)، مباشر یا عامل نزدیک خسارت باشد. در اجتماع سبب و مباشر نظر اجماعی در فقه حاکی از ضمان مباشر است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد (Maraghehi, 1990:435, Saheb Riaz, 1997:266). در آثار فقها در اجتماع سبب و مباشر، اصولاً تمایزی بین اینکه سبب (عامل غیرمستقیم) خود زیان دیده یا شخص ثالث دیگری باشد، مشاهده نمی‌شود هرچند اکثریت مثال‌ها (نظیر حفر چاه توسط الف و پرت کردن فردی درون چاه توسط ب) ناظر به حالتی است که مباشر و سبب اشخاصی غیر از زیان دیده هستند. باین‌حال، نظام فقهی در اجتماع عامل مستقیم و غیرمستقیم به‌مانند حقوق کامن لا از نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه حمایت کرده است و مسئولیت را اصولاً متوجه مباشر (سبب نزدیک) می‌داند. بدون تمایز بین حالتی که سبب دورتر (عامل غیرمستقیم) خود زیان دیده باشد یا شخص ثالث. باین‌وجود در نظام فقهی مبنای مسئولیت سبب نزدیک برخاسته از این نیست که سبب نزدیک، آخرین فرصت اجتناب از بروز حادثه و ضرر را داشته است، بلکه مبنای مسئولیت سبب

نزدیک، قابلیت انتساب عقلی و عرفی ضرر به عامل نزدیک است (Najafi,1990:54,) با این حال، چنانچه تأثیر سبب در وقوع حادثه قوی‌تر از مباشر باشد، مسئولیت متوجه سبب خواهد شد در مقام مثال در حالتی که مباشر عالم به موقعیت خطر نباشد و سبب موقعیت خطر را ایجاد کرده باشد، بر مبنای اقوی بودن سبب نسبت به مباشر، سبب مسئول است. نظیر حالتی که فرد الف چاهی غیرمجاز (نظیر حفر چاه در ملک غیر) حفر کند و شخص ب بدون آگاهی از وجود چاه، فردی را پرت کند و او درون چاه افتد یا شخصی در ملک خود چاهی حفر کند و روی آن را بپوشاند و فردی را به ملک خود دعوت کند و فرد مذکور داخل چاه بیفتد (Najafi,1990:144-145,) در مثال‌های فوق، مبنای قوی‌تر بودن سبب نسبت به مباشر عدم آگاهی مباشر از موقعیت خطرآفرین و ایجاد موقعیت مذکور توسط سبب (عامل غیرمستقیم) است. بر همین اساس، می‌توان گفت در فرضی که خود زیان‌دیده نیز موقعیت خطرآفرین را به نحو بی‌احتیاطانه بیافریند و مباشر از موقعیت مذکور آگاه نباشد، ضمان بر مباشر ایجاد نخواهد شد، نظیر حالتی که فردی پوشش استتاری و غیرقابل رؤیت به تن داشته باشد یا در مکانی غیرمجاز توقف کند یا در حال عبور غیرمجاز باشد و دیگری بدون متوجه شدن از موقعیت خطر با وی برخورد کند. در این حالت نیز مباشر مسئولیتی نسبت به خسارت زیان‌دیده (سبب) نخواهد داشت. به‌طور خلاصه می‌توان گفت در صورتی که ترکیب تقصیر مشترک خواهان و خوانده خسارت، از نوع اجتماع سبب (خواهان) و مباشر (خوانده) باشد، نتیجه نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در حقوق کامن لا و نظریه تقدم ضمان مباشر بر سبب در فقه یکسان خواهد بود، زیرا در هر دو عامل نزدیک (مباشر) چه به جهت انتساب عقلی رابطه سببیت چه به جهت برخورداری از آخرین فرصت اجتناب از ضرر، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. در فرض قوی‌تر بودن سبب نسبت به مباشر نیز مبنای مسئول سبب، انتساب عقلی ضرر به سبب قوی‌تر در فقه یا برخورداری عامل دورتر از آخرین فرصت اجتناب از ضرر در کامن لا است.

حالت دوم ناظر بر موقعیتی است که در آن خواهان (زیان‌دیده)، به نحو مباشر و خوانده (زیان‌زننده) به نحو سبب در وقوع خسارت مؤثر است. در حالت مذکور زیان‌دیده مباشرتاً موجب ورود ضرر به خود می‌شود و این مسئله مطرح می‌شود که آیا زیان‌دیده که عامل نزدیک ورود خسارت به خود است، می‌تواند از عامل دورتر مطالبه خسارت کند. پاسخ به این پرسش در نظام فقهی ما را وارد مسئله لزوم اجتناب از ضرر به خود می‌کند. در نظام فقهی نیز مقوله اجتناب از ضرر هم از منظر لزوم اجتناب از ضرر به دیگری و احترام به اموال و تمامیت جسمانی افراد دیگر (Akhund khorasini,1983:34; Hakim,2008:231; Ruhani,1992:418; Hekmatnia,2009:84) و هم از منظر لزوم اجتناب از ضرر به خود قابل بررسی است. از منظر دوم، هر فرد مسلمان می‌بایست از ورود ضرر به خود اجتناب کند. بر همین اساس، چنانچه فردی با وجود فرصت و امکان اجتناب، از ورود ضرر به خود اجتناب نکند و زمینه‌ساز ضرر به خود شود، نمی‌تواند جبران خسارت وارده را از دیگری بخواهد. در واقع اقدام زیان‌دیده به ضرر خود، یکی از مستقطبات ضمان در نظام فقهی محسوب می‌شود (Maragheyi,1990:488). به عبارت دیگر مطابق نظام فقهی در فرضی که فرد زیان‌دیده با وجود آگاهی از موقعیت خطرآفرین عامل دورتر (سبب) و برخورداری از فرصت و امکان اجتناب، از ضرر زدن به خود اجتناب نمی‌ورزد، به دلیل داشتن آخرین فرصت اجتناب از ضرر و جلوگیری از ورود خسارت، بار خسارت وارده را خود بر دوش خواهد کشید. در حقوق کامن لا نیز مسئله اجتناب از ضرر به خود تحت عنوان **قاعده مقابله با خسارت** مطرح شده است. مصادیق ذیل در آثار فقهی نمونه‌ای از موقعیت‌هایی است که در آن خواننده با ایجاد موقعیت خطر (سبب) زمینه بروز ضرر با مباشرت خود زیان‌دیده را فراهم می‌کند:

۱. اگر فردی غذای آلوده و مسموم‌کننده‌ای را جلوی فرد دیگری قرار دهد (سبب) و او با علم به آلوده بودن آن، غذا را بخورد (مباشر)، مستلزم دیه و قصاص نیست (Helli,1990:182, Shahid Sani,1990:77, Najafi,1990:35) در این مثال نیز فرد الف

با قرار دادن غذای آلوده جلوی دیگری مرتکب فعل غیرمجاز شده و از ضرر زدن به دیگری اجتناب نکرده است؛ اما فرد ب با وجود آگاهی از آلوده بودن غذا که زمینه و فرصت اجتناب از ضرر را برایش فراهم آورده است، از بروز ضرر اجتناب نمی‌کند. در نتیجه به دلیل از دست دادن آخرین فرصت اجتناب از ضرر، بار خسارت را خود او بر دوش می‌کشد؛

۲. اگر فردی در مکان غیرمجاز گودالی حفر کند (سبب) و دیگری با علم به وجود گودال در آن بیفتد (مباشر) مستلزم قصاص و دیه نیست (Helli, 1990: 183, Shahid). در اینجا نیز فرد زیان‌دیده با وجود داشتن آخرین فرصت و امکان از ضرر، به دلیل عدم اجتناب از ضرر، نمی‌تواند خسارت وارده را از زیان زننده مطالبه کند.

۳. چنانچه فرد در حال عبور به دیگری برخورد کند و موجب صدمه او شود، ضامن است. اگر خود برخوردکننده صدمه ببیند خونس هدر است. مشروط بر اینکه برخوردشونده در ملک خودش یا مکان مجاز یا راهی وسیع باشد به‌گونه‌ای که صادم (مباشر) می‌توانست بدون برخورد عبور کند (Helli, 1990: 233, Shahid). در این مثال هم مبنای هدر بودن خون برخوردکننده، امکان اجتناب او از ضرر از طریق عبور بدون برخورد است؛ اما چنانچه برخورد شونده در ملک دیگری یا مکان غیرمجازی قرار داشته باشد و دیگری بدون آنکه متوجه او بشود با وی برخورد کند (اجتماع سبب و مباشر) در اینجا به دلیل قوی‌تر بودن سبب نسبت به مباشر، سبب (برخوردشونده) مستحق دریافت خسارت نیست و بالعکس می‌بایست خسارت وارده به عابر را پرداخت کند مگر اینکه عابر عمداً در این موقعیت با شخص متوقف برخورد کند که در این حالت نه تنها مستحق دریافت خسارت نیست بلکه می‌بایست خسارت وارده به متوقف را پذیرا باشد (Helli, 1990: 234, Shahid Sani, 1990: 335, Najafi, 1990: 63). مثال مذکور در متون فقهی را می‌توان بهترین نمونه برای موقعیت حادثه مبتنی بر

تقصیر مشترک خواهان (زیان دیده) و خوانده (زیان زننده) دانست؛ به این ترتیب که در فرض قرار گرفتن شخص متوقف در مکان غیرمجاز و چنانچه عابر به صورت غیرعمد (دون آگاهی از موقعیت خطر) با آن برخورد کند، به جهت عدم امکان اجتناب از ضرر (قوی تر بودن سبب از مباشر)، مستحق دریافت خسارت است و مسئولیتی نسبت به خسارت نخواهد داشت لیکن اگر با وجود توقف شخص در مکان غیرمجاز (سبب)، عابر عمداً (با آگاهی از موقعیت خطر و به استقبال آن رفتن) با متوقف برخورد کند (مباشر)، به جهت اینکه به دلیل آگاهی، امکان اجتناب از ضرر را داشته است ولی از بروز ضرر اجتناب نبرزیده، نه تنها مستحق دریافت خسارت نیست بلکه بار کامل جبران خسارت متوقف بر عهده اوست. در مثال مذکور نظام فقهی علی‌رغم تقصیر مشترک هر دو عامل (توقف در مکان غیرمجاز و برخورد عمدی با متوقف)، از توزیع مسئولیت اجتناب ورزیده و بار کامل جبران خسارت را بر عهده سبب نزدیکی قرار می‌دهد که از آخرین فرصت اجتناب از ضرر استفاده نکرده است.

به این ترتیب از مجموع مصادیق مورد اشاره در کتب فقهی می‌توان قائل بر این بود که در نظام فقهی در حالتی که تقصیر مشترک خواهان و خوانده خسارت، ترکیبی از اجتماع سبب (خوانده) و مباشر (خواهان) باشد، در صورت برخورداری عامل نزدیک از آگاهی نسبت به موقعیت موجد خطر و امکان اجتناب از آن، بار خسارت را خود زیان دیده بر دوش خواهد کشید، زیرا آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار او بوده ولی از این فرصت استفاده نکرده است. در این حالت علی‌رغم اینکه علاوه بر فعل مؤثر و غیرمجاز زیان دیده، شاهد وجود اسباب حقیقی (مؤثر) و حقوقی (غیرمجاز) دیگری هستیم، اما با اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر که در اختیار زیان دیده بود، سبب مسئولی وجود ندارد، زیرا عبور از اسباب حقیقی و حقوقی به سبب مسئول مستلزم انتساب حادثه به فردی غیر از زیان دیده است. به عبارت ساده‌تر، در نظام فقهی قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر به منزله صافی نهایی جهت عبور از سبب حقیقی

(مؤثر) و حقوقی (غیرمجاز) به سبب مسئول است. نکته‌ای که از این منظر، مورد توجه فقها و حقوق‌دانان واقع نشده است.

فرض سوم: در این فرض تقصیر مؤثر و مشترک خواهان (زیان‌دیده) و خواننده (زیان زنده) ترکیبی از اجتماع بین اسباب غیرمستقیم و دور است. به‌طورکلی در اجتماع بین اسباب غیرمستقیم در نظام فقهی در فرضی که اسباب به نحو طولی و با فواصل زمانی مختلف بر وقوع حادثه تأثیر داشته باشند، نظریه سبب مقدم در تأثیر موردپذیرش قرار گرفته است (Shahid Sani, 1990:381, Najafi, 1990:146). علیرغم اینکه اکثریت مصادیق مورد اشاره در متون فقهی در باب اجتماع اسباب غیرمستقیم ناظر بر حالاتی است که عللی غیر از زیان‌دیده در بروز حادثه به‌عنوان سبب نقش دارند (نظیر حفر چاه توسط الف و قرار دادن سنگی کنار آن توسط ب و برخورد عابر (زیان‌دیده) با سنگ و افتادن در چاه)، با این‌وجود به نظر می‌رسد حتی اگر خود زیان‌دیده به‌عنوان سبب در کنار اسباب دیگر قرار گیرد، وضعیت به همان ترتیب خواهد بود. بر همین اساس چنانچه تأثیر تقصیر زیان‌دیده مقدم بر تأثیر تقصیر زیان‌زنده در وقوع حادثه باشد، بار خسارت را خود بر دوش خواهد کشید، مانند اینکه کسی در اصطبل خود را با بی‌احتیاطی باز و رها کرده و احشام وی پس از خروج در اثر مصرف سبزی‌های آلوده به سموم غیرمجاز متعلق به دیگری تلف شوند یا در همان مثال سستی سنگ و چاه، چنانچه عابری به نحو غیرمجاز وارد ملک دیگری شود و پایش با پوست موز یا شیء لغزنده دیگری برخورد کند و در چاهی بلغزد که به نحو غیرمجاز حفر شده است، ورود غیرمجاز زیان‌دیده را می‌توان سبب مقدم در تأثیر به شمار آورد. در حالت معکوس چنانچه تأثیر خواننده به‌عنوان سبب در حادثه مقدم بر تأثیر خواهان باشد، خواننده مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود، نظیر اینکه فرد الف حیوان یا وسیله نقلیه خود را در مکان غیرمجازی متوقف کند و فرد ب نیز در کنار آن مانع یا وسیله غیرمجازی قرار دهد و عابری در حین عبور مجاز به مانع مزبور برخورد و موجب حرکت مانع یا سنگ و برخورد با حیوان یا وسیله نقلیه شود. یا اینکه فردی وسیله نقلیه

خود را بدون کشیدن ترمزدستی پارک کند و وسیله مزبور در اثر حرکت با وسیله نقلیه دیگری که در منطقه پارک ممنوع پارک شده برخورد کند. در مثال‌های فوق‌الذکر به جهت تقدم تأثیرگذاری عمل غیرمجاز خواننده نسبت به عمل غیرمجاز خواهان به‌عنوان سبب، سبب مقدم مسئول جبران خسارت وارده است.

صرف‌نظر از انتقادات و نظریه‌های مخالفی که به نظریه سبب مقدم در تأثیر در فقه و حقوق ایران به عمل آمده است (Khuyi,1988:106, Najafi,1990:147). همان‌طور که مشاهده می‌شود در اجتماع اسباب غیرمستقیم اساساً شاهد تناقضی بین نظریه سبب مقدم در تأثیر و آخرین فرصت اجتناب از ضرر هستیم، زیرا در بسیاری موارد سبب مؤخر، آخرین فرصت اجتناب از ضرر را می‌تواند داشته باشد. در این حالت نظام فقهی سبب مقدم در تأثیر را سبب مسئول محسوب می‌کند در حالی که نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر، سبب مؤخر را به دلیل داشتن آخرین فرصت و عدم استفاده از آن، سبب مسئول به شمار می‌آورد. برای مثال، در حالی که فرد الف در آغاز سنگی در محلی غیرمجاز قرار می‌دهد و سپس فرد ب با علم به وجود سنگ، چاه یا گودالی کنار آن حفر می‌کند، بر اساس نظریه سبب مقدم در تأثیر، کسی که سنگ را قرار داده ضامن است نه حفرکننده؛ مسئله‌ای که مورد انتقاد برخی فقها نیز قرار گرفته است (Rashti,NY:41). درحالی‌که در حقوق آمریکا بر مبنای نظریه آخرین خطاکار^۱ که در مقام شناسایی سبب نزدیک مطرح شده و به نظریه آخرین فرصت اجتناب متمایل است، بار جبران خسارت بر دوش کسی است که آخرین خطای مؤثر در حادثه را مرتکب شده و به نوعی نزدیک‌ترین سبب به حادثه محسوب می‌شود (Katuzian,2013:463, Cox,1939:115-1154). در مثال بالا نیز هرچند پای عابر ابتدا به سنگ و سپس درون چاه می‌افتد لیکن از حیث زمان ارتکاب اعمال غیرمجاز، حفر چاه پس از قرار دادن سنگ و با علم به آن رخ داده و آخرین فعل خطای مؤثر در حادثه را حفرکننده مرتکب

شده است در حالی که از وجود سنگ مطلع بوده و می‌توانست با اجتناب از حفر چاه، مانع بروز حادثه شود.

به‌طور خلاصه در نظام فقهی چنانچه خطای مؤثر و مشترک زیان‌دیده و زیان‌زننده در قالب اجتماع سبب و مباشر (اعم از اینکه زیان‌دیده در مقام مباشر باشد یا سبب) باشد، اعمال قاعده سبب نزدیک یا قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر به نتایج یکسانی می‌رسد، زیرا مباشر اگر زیان‌دیده باشد بر مبنای قاعده اقدام، آخرین فرصت اجتناب از ضرر را در اختیار داشته ولی از ضرر به خود، اجتناب نورزیده است و اگر سبب باشد، مباشر به دلیل اینکه به لحاظ زمانی، آخرین فرصت اجتناب از ضرر (به دیگری) را در اختیار داشته است، مسئول جبران خسارت خواهد بود. لیکن در فرضی که خطای مؤثر و مشترک زیان‌دیده و زیان‌زننده در چهارچوب اجتماع اسباب غیرمستقیم (بدون مباشر) باشد، به‌کارگیری قاعده سبب مقدم در تأثیر در فقه، نتایج متفاوت و متعارض با اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر به بار می‌آورد، زیرا در بسیاری مواقع، آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار سبب مؤخر در تأثیر است نه سبب مقدم در تأثیر.

۲. جایگاه تئوری آخرین فرصت اجتناب از ضرر در حقوق ایران

با توجه به اقتباس قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی در باب موجبات ضمان و اجتماع اسباب از نظام فقهی، می‌توان نظام حقوقی ایران را دنباله‌رو نظام فقهی در این زمینه دانست. بر همین اساس از بازگویی مطالب تکراری پرهیز کرده و به تفاوت‌هایی که در این خصوص در نظام حقوقی ایران با نظام فقهی به چشم می‌خورد و در نتیجه جایگاه نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در حقوق ایران متمرکز می‌شویم.

تفاوت اول در مسئله اجتماع سبب و مباشر است که مطابق ماد ۵۲۶ ق.م.ا در صورت اجتماع سبب و مباشر، چنانچه حادثه منتسب به عمل هر دو باشد، هر دو عامل مباشر و سبب بر اساس درجه تأثیر در حادثه مسئول خواهند بود. بر همین اساس

در صورتی که زیان دیده نیز با ارتکاب عمل غیرمجاز حسب مورد به عنوان مباشر یا سبب در حادثه مؤثر باشد، مسئولیت بر اساس درجه تأثیر میان وی و عامل دیگر توزیع خواهد شد (Babayi,2015:107, Safayi,2017:235-237)، درحالی که در نظام فقهی مطابق نظر اجماعی اصل بر مسئولیت مباشر است مگر سبب اقوی باشد. باین وجود در برخی موارد قانون گذار از این رویکرد تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تأثیر فعل غیرمجاز در وقوع حادثه، عدول کرده و با گرایش به نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر، مسئولیت را به طور کامل بر عهده عاملی می داند که آخرین فرصت و امکان اجتناب از ضرر را داشته است. در این خصوص به دو ماده قانونی در قانون مجازات می توان اشاره کرد که در ادامه به شرح آن ها می پردازیم.

۱-۲. انجام هر نوع اقدام منجر به ضرر دیگری در معابر یا اماکن عمومی یا ملک دیگری

بر اساس ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد... که سبب آسیب دیگری شود، ضامن دیه است...».

مطابق این ماده ارتکاب فعل مؤثر و غیرمجاز از سوی فرد الف (حفر گودال یا شی لغزنده یا هر عمل آسیب زا در معابر یا اماکن عمومی یا ملک غیر)، نوعی سبب یا عامل غیرمستقیم تلقی می شود. چنانچه فردی که در معرض این آسیب یا ضرر است، از وجود موقعیت آسیب زا (گودال، شیء لغزنده و یا چیز دیگر) علم یا آگاهی پیدا کند و امکان اجتناب از ضرر را نیز داشته باشد، می بایست از ضرر زدن به خود اجتناب کند، در صورت عدم اجتناب و برخورد عامدانه با موقعیت آسیب زا (ارتکاب فعل مؤثر و غیرمجاز)، فعل زیان دیده نوعی مباشرت محسوب می شود که به دلیل اینکه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار زیان دیده بوده و به تعبیری آخرین حلقه تحقق خسارت است ولیکن از این فرصت استفاده نکرده، بار خسارت را خود او بر دوش خواهد کشید (Safayi,2017:222). به عبارت دیگر در حقوق ایران نیز به مانند نظام فقهی

به کارگیری قاعده آخرین فرصت اجتناب ضرر به مثابه صافی نهایی جهت عبور از سبب حقیقی و حقوقی به سبب مسئول محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در فرض مباشر بودن خود زیان‌دیده و داشتن امکان اجتناب از ضرر، علی‌رغم وجود سبب حقیقی (سبب مؤثر) و حقوقی (سبب غیرمجاز) علاوه بر فعل زیان‌دیده، سبب مسئولی وجود نخواهد داشت، زیرا عبور از اسباب حقیقی و حقوقی به سبب مسئول، مستلزم انتساب تمام یا بخشی از ضرر به فردی غیر از زیان‌دیده است، در حالی‌که به دلیل برخورداری زیان‌دیده از آخرین فرصت اجتناب از ضرر و عدم استفاده از این فرصت، ضرر منتسب به خود اوست نه اسباب دیگر.

در این ماده، قانون‌گذار دو شرط را برای فردی که آخرین فرصت اجتناب از ضرر را دارد بیان کرده است: ۱. داشتن علم به موقعیت ضرر زا؛ ۲. داشتن فرصت و امکان اجتناب از ضرر. به‌طورکلی با فقدان یکی از این دو شرط، بار مسئولیت را بر دوش سبب خواهد بود، زیرا به دلیل عدم آگاهی مباشر از موقعیت آسیب‌زا یا عدم امکان اجتناب، تأثیر سبب در وقوع خسارت قوی‌تر از مباشر است.

۲-۲. توقف یا استقرار اشیا تحت تصرف در محل غیرمجاز

مطابق ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی «هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آن‌ها مجاز نیست، توقف کند یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن‌ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببینید، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر کرده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌شود». بنا بر این ماده، توقف شخص یا استقرار اشياء (اعم از جاندار یا بی‌جان) در مکان غیرمجاز، نوعی خطای غیرمستقیم مؤثر در حادثه محسوب می‌شود و فعل عابر در عبور و برخورد با متوقف یا اشياء وی

نوعی مباشرت. حال در این موقعیت چنانچه عابر با وجود توجه به موقعیت آسیب‌زا و امکان اجتناب از آن، با موقعیت مذکور عامدانه برخورد کند (ارتکاب فعل مؤثر و غیرمجاز)، شاهد اجتماع سبب و مباشر هستیم با این حال به جهت اینکه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار مباشر بوده و ایشان با داشتن علم به موقعیت و امکان اجتناب، از ضرر اجتناب نکرده است مسئول جبران خسارت وارده به سبب نیز خواهد بود. مثال مذکور بهترین نمونه در نظام حقوقی ما برای حالتی است که زیان‌دیده علی‌رغم اینکه مرتکب عمل غیرمجاز مؤثر در حادثه شده است لیکن به جهت اینکه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار عامل دیگر بوده و ایشان از ضرر اجتناب نکرده است، مسئولیت جبران خسارت زیان‌دیده بر عهده زیان‌زننده است. گفتنی است هر دو ماده قانونی بالا از نظام فقهی اقتباس شده است و در بخش نظام فقهی به‌طور مفصل به آن پرداخته شد. تفاوت در مسئله اجتماع اسباب غیرمستقیم به چشم می‌خورد. مطابق ماده ۵۳۵. ق.م.ا «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». این ماده ملهم از نظریه مشهور در فقه مبنی بر سبب مقدم در تأثیر است. با این حال قانون‌گذار در ماده ۵۳۶ ق.م.ا ب به نظریه اقلیت در فقه متمایل شده است. بر این اساس در فرضی که عمل سبب مؤخر پس از عمل سبب مقدم و با توجه به قابلیت حادثه‌آفرینی در صورت اجتماع با سبب مقدم صورت گرفته باشد، قانون‌گذار به‌مانند نظریه آخرین خطاکار در حقوق آمریکا که آخرین فرصت اجتناب از ضرر را نیز در اختیار دارد، سبب مؤخر را مسئول جبران خسارت می‌داند. مطابق فراز پایانی این ماده «اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به

دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است». ماده ۵۳۶ نمونه دیگری از تمایل قانون‌گذار به نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر است، زیرا با وجود عوامل مختلف مؤثر (حقیقی) و غیرمجاز (حقوقی) در وقوع حادثه، به جای توزیع مسئولیت بین اسباب مؤثر، بار کامل مسئولیت را بر عهده سببی می‌گذارد که با ارتکاب آخرین خطا (عمل غیرمجاز)، آخرین فرصت اجتناب از ضرر را از دست داده است. در واقع در حالت اجتماع اسباب غیرمستقیم نیز قانون‌گذار، به‌کارگیری قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر را به‌مثابه صافی نهایی جهت عبور از سبب مؤثر (حقیقی) و غیرمجاز (حقوقی) به سبب مسئول تلقی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از میان اسباب حقیقی (مؤثر) و حقوقی (غیرمجاز) حادثه، سبب مسئول را عاملی می‌داند که با ارتکاب آخرین خطا، در واقع آخرین فرصت اجتناب از ضرر را از دست داده است.

۲-۳. برخورد عابر و راننده وسیله نقلیه

مطابق ماده ۵۰۴ ق.م.ا: «هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است درحالی‌که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد کند، ضامن متفی و در غیر این صورت راننده ضامن است». در مثال مذکور چنانچه راننده (مباشر) بدون ارتکاب عمل غیرمجاز (تقصیر) با کسی که در محل غیرمجازی حضور یافته (سبب) برخورد کند، به جهت عدم امکان اجتناب از ضرر (قادر نبودن به کنترل وسیله نقلیه) و قوی‌تر بودن سبب از مباشر (حضور سبب در محل غیرمجاز و برخورد بدون تقصیر راننده مباشر با آن)، مباشر مسئول جبران خسارت نیست. در ادامه قانون‌گذار با ذکر عبارت «در غیر این صورت راننده ضامن است»، بر این باور است که در صورت مؤثر و غیرمجاز بودن فعل مباشر (تخلف مؤثر و حادثه‌ساز راننده از مقررات رانندگی نظیر عدم مهارت یا سرعت غیرمجاز) و سبب (حضور عابر در محل غیرمجاز نظیر عبور از عرض آزادراه یا عبور از زیر پل عابر پیاده)، مباشر مسئول جبران خسارت

(سبب مسئول) وارده به عابر است، زیرا با عدم مراقبت معقول (ارتکاب تخلف رانندگی حادثه‌ساز) آخرین فرصت اجتناب از ضرر (عدم برخورد با عابر) را از خود گرفته است. مبنای عدول قانون‌گذار از حکم ماده ۵۲۶ ق.م.ا (توزیع مسئولیت بین مباشر و سبب بر اساس درجه تأثیر) در ماده ۵۰۴، عدم اجتناب راننده از ضرر در اثر رانندگی غیرمجاز و مؤثر در حادثه است. در همین راستا مطابق ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ «در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است عابران مکلف‌اند هنگام عبور از عرض یا طول سواره‌رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خط‌کشی‌شده، گذرگاه‌های غیره هم‌سطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل نمایند، در صورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به این‌که کلیه مقررات را رعایت کرده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد مسئولیتی نخواهد داشت». مطابق ماده مذکور در صورتی که عبور عابر به صورت غیرمجاز باشد و راننده علاوه بر رعایت کلیه مقررات (عدم ارتکاب فعل غیرمجاز)، قادر به کنترل وسیله و جلوگیری از خسارت نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت (Safayi, 2017: 312). در واقع در حالت مذکور به دلیل فقدان فرصت اجتناب از ضرر در اختیار راننده، سبب مسئولی نسبت به خسارت‌های عابر وجود ندارد برعکس خود عابر با عبور غیرمجاز (قاعده اقدام) از ضرر به خود اجتناب نکرده است. در نتیجه بار خسارت را خود بر دوش خواهد کشید و سبب مسئولی جهت جبران خسارت وجود نخواهد داشت. در این ماده قانون‌گذار نوعی تکلیف مبنی بر اجتناب از ضرر برای راننده حتی در فرض عبور غیرمجاز عابر وضع کرده است به نحوی که در صورت عبور غیرمجاز عابر و توانایی راننده مبنی بر کنترل وسیله و جلوگیری از خسارت (اجتناب از ضرر)، راننده مسئول خواهد بود. عبارت «قادر به جلوگیری از تصادف» در این ماده صراحتاً دلالت بر مفهوم اجتناب از ضرر و برخورداری راننده از آخرین فرصت اجتناب از ضرر (تصادف) دارد.

فرجام سخن

نظریه آخرین فرصت اجتناب از ضرر در حقوق کامن لا از دل نظریه تقصیر مشترک و در راستای تعدیل آن در بستر رابطه سببیت مبتنی بر سبب نزدیک پدیدار شد؛ به گونه‌ای که پس از شناسایی اسباب حقیقی از غیرحقیقی (شناسایی سبب مؤثر با تکیه بر استاندارد اگر نبود) و شناسایی اسباب حقوقی از میان اسباب حقیقی (با تکیه بر قاعده سبب نزدیک) به تشخیص سبب مسئول از طریق اعمال دو قاعده تقصیر مشترک یا آخرین فرصت اجتناب از ضرر می‌پردازد؛ به این ترتیب که در فرضی که خواهان با ارتکاب عمل بی‌احتیاطانه موجب پدید آمدن موقعیت خطرناکی شود (سبب حقیقی و حقوقی) ولی ناتوان از خروج از وضعیت خطرناک ایجادشده توسط خود یا متوجه موقعیت مذکور نشده باشد و فرد دیگری با داشتن آگاهی از موقعیت پیشرو و توانایی و امکان اجتناب از آن، از فرصت موجود جهت اجتناب از ضرر استفاده نکند (سبب حقیقی و حقوقی)، بار کامل جبران خسارت را بر دوش خوانده (سبب مسئول) خواهد بود. در نظام فقهی و حقوق ایران (مستند به مواد ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۳۶ ق.م.ا) نیز می‌توان به‌کارگیری قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر را به‌عنوان آخرین معیار و صافی نهایی عبور از سبب حقیقی و حقوقی به سبب مسئول دانست؛ به این ترتیب که در نظام فقهی و نظام حقوقی ایران ملاک شناسایی سبب حقیقی (مؤثر) از اسباب غیر مؤثر (ماده ۵۰۵ ق.م.ا)، سببیت فلسفی است و سبب مؤثر عاملی است که عدمش ضرورتاً عدم معلول (حادثه) را به دنبال دارد. همچنین از میان اسباب حقیقی، سبب حقوقی عاملی است که مرتکب نوعی فعل غیرمجاز (نظیر ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا) شده باشد. در نهایت در صورتی که فعل زیان‌دیده و زیان‌زننده هر دو به نحو مؤثر و غیرمجاز باشد، شناسایی سبب مسئول از طریق اعمال قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر یا قاعده تقصیر مشترک میسر خواهد بود به گونه‌ای که در صورت برخورداری زیان‌دیده از آخرین فرصت اجتناب از ضرر، بار خسارت را خود بر دوش خواهد کشید و سبب مسئولی وجود نخواهد داشت. لیکن در صورتی که علیرغم فعل غیرمجاز و مؤثر

زیان‌دیده، آخرین فرصت اجتناب از ضرر در اختیار زیان‌زننده باشد ولی از این فرصت استفاده نکند، زیان‌زننده سبب مسئول جبران خسارت خواهد بود. در صورت هم‌زمانی تأثیر افعال غیرمجاز زیان‌دیده و زیان‌زننده، به دلیل فقدان شرایط اعمال آخرین فرصت اجتناب از ضرر در این فرض، بر مبنای تقصیر مشترک هر دو عامل مؤثر، مسئولیت بین عوامل تقسیم خواهد شد.

References

- Asgari, R. (2014). The nature of the status ruling and its difference with the obligatory ruling from the point of view of the Shia fundamentalists, *Scientific Journal of Science and Research*. 4, 27-42 [in Persian]
- Babaei, I. (2016). *Civil liability and non-contractual requirements*. Tehran: Mizan Publishing. [in Persian]
- Badini, H. (2004). *Philosophy of civil responsibility*. Tehran: Publishing Company. [in Persian]
- Cooke, J. (2011). *Law of Tort*, Pearson Education Limited,
- Dari, M, G., & Garoupa, N. (2009). Least-cost avoidance: the tragedy of common safety. *The Journal of Law, Economics, & Organization*, 25(1), 235-261. <https://doi.org/10.1093/jleo/ewm052>
- Ell-Paul, M. (2015). *A History of Tort Law 1900–1950*. Cambridge University Press.
- Fleming J. (1938). The Last Clear Chance: A Transitional Doctrine, 1938, *The Yale Law Journal*, 47(5), 704-723, <https://doi.org/10.2307/791989>.
- Grooms. H. (1925). The Doctrine of Last Clear Chance, *Kentucky Law Journal*, 13(2), 145-151.
- Hale, R. (1961). Last Clear chance-Trend in California, *Hasting Law Journal*, 13(1), 141-146.
- Hakmat Nia, M. (2008). *Civil responsibility in Imami jurisprudence, foundations and structure*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [in Persian]
- Hedley, S. (2011). *Tort*-London-Oxford University Press.
- Henderson, J. A., et al (2007) *The Torts Process*, Seventh Edition, Aspen Publishers, New York, NY.
- Katherine, B. (1944). The Doctrine of "The Last Clear Chance, *ST. JOHN'S LAW REVIEW*, 19(1), 33-38.

- Katouzian, N. (2012). *Civil responsibility*. Vol 1. Twelfth Jap. Tehran: Tehran. University Press. [in Persian].
- Keshavarz, I. (2023). A comparative study of the criterion of effective cause in jurisprudence and law, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research*, No. 77. [in Persian].
- Keshavarz, I. (2023). The concept of illegal act in the Islamic Penal Code of 1992 with a comparative view of jurisprudence and Roman law, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research*, 75 [in Persian].
- Khoei, A. (1989). *Takmalat Al-Manhaj-Madinah Al-Alam Publications-Qom* [in Arabic].
- Kretzmer, D. (1984). Transformation of Tort Liability in the Nineteenth Century. *Oxford Journal*, 4(1), 46–87, <https://doi.org/10.1093/ojls/4.1.46>.
- Maraghei, M. (1996). *Al-Anaween al-Faqhiyyah*, Al-Nashar al-Islami Institute, Qom. [in Arabic]
- Mattiacci, G.; Parisi, F. (2005). The economics of tort law- A Precis, Utrecht school of economics. Tjalling C. Koompans Research Institute. at <http://www.uu.nl/content/03-13.pdf>. <https://deliverypdf.ssrn.com/delivery>
- Michaei, S. G. (1967). Applicability of Last Clear Chance, the *University of Miami Law Review*, 22 U. Miami L. Rev. 191, <https://repository.law.miami.edu/umlr/vol22/>
- Mohaghegh H. (1987). *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*. Volume 4. Qom: Ismailian Institute. [in Arabic]
- Maqdis, A. (1995). *The complex of Interest and Proof in Explanation of Irsah Al Adhan - Islamic Publishing Institute – Qom*. [in Arabic]
- Mousavi Khomeini, R. (1983). *Tahrir al-Wasila*, Qom: Qom seminary seminary community, Islamic publications office. [in Arabic]
- Najafi, M. (1992). *Jawaharlal Kalamfi*, Commentary on Islamic Laws, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi-Beirut. [in Arabic]
- Pollock, F. (1920). *The Law of Torts*. 11th edition, London: Stevens and Sons.
- Rashti, M. (1969). *Book of Al-Ghasb*-Tehran-Shahid Motahari High School [in Arabic].
- Sahib, R. (1997) *Riyadh Al-Masaa'il fi Tahqiq Al-Ahkam bel dalayel*-Qom-Aal Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for reviving the heritage [in Arabic].
- Rouhani, S. (1993). *Fiqh al-Sadiq*. Qom: Dar al-Kitab Institute. [in Arabic]
- Safaei, S.; Rahimi, H. (2016). *Civil responsibility*. Tehran: Samit Publications. [in Persian]

- Scotty G. R. (1967). The Last Clear Chance Doctrine in Louisiana – An Analysis and Critique, *Louisiana Law Review*, 27(2), 269-298.
- Shahid, S. (1992). *Masalak al-Afham fi tankih Shar'i al-Islam*. Volume 15. Qom: Al-Maarif al-Islamiya Institute.
- Stephen, P. (1995). *Risk, Harm and Responsibility in Philosophical Foundation of TortLaw*, Edited by David G. Owen. First published. Oxford: Clarendon Press, pp321-346, <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198265795.003.0015>
- Simons, K. W. (1996). Deontology, negligence, tort, and crime, *University of California*, 76, 273-299.
- Waller, B. (2007). *Consider Ethics Theory, Readings, and Contemporary Issues*, Pearson.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی